

بررسی تاثیر برنامه ریزی و مشوق های مالیاتی بر سود آوری شرکت های مناطق آزاد تجاری

مورد مطالعاتی (شرکت های مناطق آزاد تجاری کل کشور)

مطهره عباسی^۱، حبیب پیری^۲

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

^۲ استادیار گروه حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

چکیده

برنامه ریزی مالیاتی یکی از ابزارهای موجد صرفه جویی مالیاتی است که توسط شرکت ها در راستای هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران بکار می رود. از این رو، همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه ریزی های مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی انجام می شود، ابهام فعالیت های مالی شرکت افزایش و شفافیت گزارشگری مالی شرکت کاهش یابد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر برنامه ریزی مالیاتی و مشوق های مالیاتی بر سودآوری شرکت های مناطق آزاد تجاری است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت و محتوا، از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش، مناطق تجاری آزاد (کل کشور) می باشد. به منظور دسترسی به اطلاعات حسابداری مورد نیاز، دوره مورد تحقیق، سال های مالی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ انتخاب گردید.

مدل رگرسیون خطی چندگانه برای تعیین روابط بین برنامه ریزی مالیاتی و مشوق های مالیاتی و سودآوری استفاده گردید. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که برنامه ریزی مالیاتی و مشوق های مالیاتی، عملکرد شرکت ها را بهبود بخشیده و در نتیجه سرمایه گذاری در مناطق را افزایش داده است. و سودآوری شرکت ها را در سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری قطعی می کند.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی مالیاتی، مشوق های مالیاتی، معافیت مالیاتی، معافیت عوارض گمرکی سود آوری، مناطق آزاد تجاری.

۱- مقدمه

مالیات یکی از منابع اصلی درآمد برای همه سطوح دولت است. بنابراین نیازمند برنامه ریزی دقیق برای توسعه سیاست های مالیاتی است که رشد اقتصادی عمومی کشور را افزایش می دهد. مالیات به عنوان کاهش درآمد و سود سرمایه گذاری توسط مالیات دهندگان براساس ارزش مالیات پرداخت شده تلقی می شود. اما پس از آن، این یک تعهد قانونی است که مودیان مالیاتی باید به آن عمل کنند. مالیات بازده خالص سرمایه گذاری و همچنین موجودی پس انداز خصوصی را کاهش می دهد. اگرچه مالیات دهندگان مالیات را به عنوان قانون وضع شده توسط دولت تلقی می کنند، اما آن ها به نوبه خود از طریق امکانات اجتماعی مانند آب، برق، جاده های خوب و سایر زیرساخت های تأمین شده توسط دولت از آن سود می برند (ایفیانگ^۱، ۲۰۰۴). به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نیاز به تشویق سرمایه گذاران و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۲ به منظور توسعه اقتصادی است. یکی از راه های دستیابی به این هدف، ارائه مشوق های مالیاتی است. به گفته (آیوا، ۱۹۶۶)، در سال ۱۹۵۰، مشوق های مالیاتی بخشی از سیاست های صنعتی برای شرکت های خصوصی بود. با این حال، لازم به ذکر است که مشوق ها در قالب اعتبارات مالیاتی ممکن است تنها عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری در هیچ کشوری نباشند. مودیان مالیاتی به منظور تأمین درآمد خالص خود، وسیله ای برای به حداقل رساندن بدهی های مالیاتی با استفاده از مشوق های مالیاتی که در قوانین مالیاتی پیش بینی شده است، قرار می دهند (ایفیانگ و همکاران، ۲۰۱۷).

دولت ها همواره باید در خصوص برآورده کردن نیازها و خواسته های اساسی همچون ایجاد اشتغال، برقراری امنیت داخلی، تثبیت قیمت ها و انجام وظایف اقتصادی خودشان در قبال مردم پاسخگو باشند. بدیهی است دولت ها برای دستیابی به اهداف که پیش تر به آن اشاره شد، نیاز به منابع مالی دارند. یکی از اصلی ترین منابع مالی دولت ها مالیات است. لذا نقش خاص مالیات و تأثیر آن بر جوامع و موضوعات مرتبط با آن از قبیل ساز و کارهای مربوطه در کانون توجه صاحب نظران و محققین در علوم اقتصادی و مالی بوده است. مالیات از قوی ترین ابزارهای اقتصادی و اصلی ترین عنصر گرداننده اقتصاد کشورها و ابزار تأمین مالی هزینه های آن ها و در مواردی از اهرم های حکومتی و سیاسی است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۸). اما از آنجایی که مالیات ابراز شده با مالیات تعیینی یکسان نیست شکاف مالیاتی به وجود می آید که با وجود این شکاف انتظار می رود کیفیت سودهای گزارش شده برای سرمایه گذاران تحت تأثیر قرار گیرد. یعنی هر چه این اختلاف بیشتر باشد پایداری سود شرکت ها کمتر شده و سودهای آتی شرکت ها نیز تحت تأثیر قرار گیرند. محاسبه سود حسابداری به عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت ها و یا اطلاعاتی که در محاسبه آن لحاظ می شود، توسط حسابداران حرفه ای و تحلیل گران و مفسران مالی همواره مورد تأکید قرار داشته است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹). مالیات ابزاری است که دولت به کمک آن در متغیرهای اقتصاد کلان مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری، تخصیص منابع و برقراری عدالت اقتصادی تأثیر می گذارد. مالیات بر درآمد شرکت ها نیز بخش اعظمی از درآمدهای مالیاتی دولت ها را تشکیل می دهد. در اغلب کشورها بویژه کشورهای توسعه یافته، مالیات عمده ترین منبع مالی دولت است در حالی که در کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف در ساختارها و قوانین و کارا نبودن نظام مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از کل درآمد دولت است. ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه فاقد نظام مالیاتی کارا و شفاف بوده و عموماً میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده و اغلب با میزان مالیات واقعی تفاوت قابل ملاحظه ای دارد. طبق قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰، اخذ مالیات در ایران فرایندی است که ابراز مالیات توسط مؤدی (از طریق اظهارنامه مالیاتی) آغاز شده و پس از طی مراحل قانونی تعیین شده با وصول مالیات

¹ Effiong² FDI

خاتمه می یابد. بخش عمده مؤدیان مالیاتی دولت اشخاص حقوقی (شرکت ها) هستند. در این راستا دولت به عنوان یکی از ذینفعان کلیدی شرکت ها برای تشخیص مالیات، بر اظهارنامه مالیاتی مؤدیان تکیه میکند. به رغم اتکای دولت بر اظهارنامه های مؤدیان، اغلب مالیات ابراز شده با مالیات تشخیصی یکسان نیست و اختلافی بین دو مبلغ وجود دارد که اصطلاحاً به آن «شکاف مالیاتی» گفته می شود. اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی و مالیاتی موجب بوجود آمدن این تفاوت در بین مالیات ابرازی (بر مبنای سود حسابداری) و مالیات تشخیصی (بر مبنای سود مأخذ محاسبه مالیات) می شود (قادری و همکاران، ۱۳۹۷). سود حسابداری از نظر بسیاری از استفاده کنندگان صورتهای مالی ابزار مهمی برای سنجش عملکرد شرکت ها و مدیران آنها محسوب می شود. همچنین پیش بینی عملکرد آینده شرکت ها (سودآوری) اغلب کانون توجه خیل عظیمی از تصمیم گیران است که با ارائه ابزارهایی برای تحلیل های مختلف می توان آنها را در این زمینه یاری نمود (پورزمانی به نقل از اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳). مدیریت شرکت هر ساله سود واحد تحت کنترل خویش را به دو منظور، محاسبه و گزارش می کند. اولی، برای تهیه صورت های مالی طبق استانداردهای حسابداری و گزارش آن به استفاده کنندگان صورت های مالی، و دومی، برای تهیه اظهارنامه مالیاتی بر مبنای قانون مالیات ها جهت تشخیص بدهی مالیاتی شرکت (هانلون و شولین، ۲۰۰۵)، یا همان سهم دولت از سود واحد تجاری. طبق استانداردهای حسابداری، مسئولیت تهیه و ارائه صورت های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است. مدیریت واحد تجاری موظف به تهیه و ارائه صورتهای مالی سالانه به گونه ای است که تصویری مطلوب از وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری ارائه کند. هرگاه صورت های مالی جهت ارائه به سهامداران، بستانکاران، دولت و سایر کاربران برون سازمانی تهیه شود، رعایت استانداردهای حسابداری در تهیه و ارائه آن ضروری است. طبق ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم نیز اشخاص حقوقی مکلفند اظهارنامه، ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد و مدارک خود را حداکثر تا چهار ماه پس از پایان سال مالیاتی همراه فهرست هویت شرکا و سهامداران و حسب مورد میزان سهم الشرکه یا تعداد سهام و نشانی هر یک از آنها به اداره امور مالیاتی که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی است تسلیم نمایند و مالیات متعلقه را پردازند (دوانی، ۱۳۹۴).

با وجود اینکه هر دو معیار سود بر مبنای تعهدی محاسبه می شود با این حال تفاوت های عمده ای بین سود حسابداری و سود مالیاتی می تواند وجود داشته باشد که به آن شکاف مالیاتی می گویند (هانلون و شولین، ۲۰۰۵). دلیل اصلی تفاوت بین سود حسابداری و سود مالیاتی در این است که هیچ یک از آنها نمی توانند واقعیت های اقتصادی را در خود جای دهند. سود حسابداری ابرازی توسط مؤدی مالیاتی با درآمد مشمول مالیات تشخیص شده، توسط سازمان امور مالیاتی مغایرت دارد. این مغایرت ممکن است دوطرفه باشد یعنی با تعدیلات انجام شده گاهی سود مشمول بیش از سود حسابداری و گاهی سود مشمول مالیات کمتر از سود حسابداری باشد (حساس یگانه، ۱۳۹۷).

۲- بیان مساله پژوهش

امروزه ابزارها و الگوهای متعددی برای استفاده از ظرفیت های اقتصاد بین الملل و بهره برداری از آن به نفع اقتصاد داخلی وجود دارد. یکی از این الگوها تاسیس مناطق آزاد تجاری^۳ و جذب سرمایه های بین المللی از طریق این مناطق است. در حقیقت، این مناطق به عنوان یک "پنجره" یا "جزیره ای" متصل به سرزمین اصلی، وسیله ای برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و تجارب مدیریتی به اقتصاد داخلی ارزیابی می شوند. ایجاد چنین مناطقی به عنوان بخشی از سیاست های درهای باز نیز

³ Free Trade Zone Companies

محسوب می شوند. در ادبیات اقتصاد بین الملل، مناطق آزاد به عنوان ابزار پذیرفته شده ی جهانی، اغلب برای افزایش رشد اقتصادی و متوازن سازی توسعه ی محلی مورد استفاده قرار می گیرند. به لحاظ تعریف، در کنوانسیون کیوتو^۴ منطقه آزاد اقتصادی، قسمتی از سرزمین اصلی است که مبادلات کالاها در آن فراتر از محدودیت های موجود در سرزمین اصلی در نظر گرفته شده و مقید به قوانین گمرکی و مالیاتی سرزمین اصلی نیستند. در لغت نامه ی بزرگ اقتصادی^۵، منطقه آزاد اقتصادی: منطقه ی محدودی از سرزمین اصلی با شرایط خاص و ترجیحی اقتصادی در مواردی مانند قوانین گمرکات، مالیات ها، شروط اجاره، اجازه ی اقامت نیروی کار و موضوعاتی نظیر آن است که برای بنگاه ها در نظر گرفته می شود. مناطق آزاد ضمن نمایش عزم دولت ها برای ادغام در اقتصاد جهانی، وسیله ای برای کاهش دخالت های دولت در اقتصاد هستند. "مشوق مالیاتی" به انواع کمک ها یا امتیازات مالیاتی اطلاق می شود که دولت ها با هدف افزایش سرمایه گذاری و اشتغال و نیز توسعه صادرات جهت توسعه منطقه ای به گروه های خاصی از افراد، بنگاه ها و فعالان اقتصادی (مشوق هدفمند) و یا به همه آنها (مشوق عام یا غیر هدفمند) در قالب تعطیلی، تخفیف، ترجیحات، ارفاق، اعتبار، بخشودگی و تعویقات مالیاتی اعطا می کنند. مشوق های مالیاتی کم و بیش در اغلب نظام های مالیاتی جهان وجود دارد اما گستره و شکل آن در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، مشوق ها عمدتاً به صورت ارفاق، اعتبارات، سرمایه گذاری به شکل اجاره و استهلاك سریع به سرمایه گذاران اعطا می شود؛ در حالی که تعطیلی مالیاتی، نرخ های ترجیحی، ایجاد مناطق ویژه و معافیت از حقوق گمرکی ابزار غالب کشورهای در حال توسعه می باشد (عسکری و جعفری، ۱۳۹۵).

مسأله اصلی این است که آیا منافع اقتصادی که از افزایش (در صورت وجود) فعالیت های مورد حمایت مشوق می شود، در واقع از کل هزینه مشوق های مالیاتی اعطا شده بیشتر است یا خیر. مفهوم اثربخشی هزینه پیامدهای فراتر از سرمایه گذاری اضافی را در بر می گیرد. خسته شده مفهوم اثربخشی هزینه پیامدهای فراتر از سرمایه گذاری اضافی را در بر می گیرد. با این حال، تأثیر به پیامدهای مالی، اقتصادی و اجتماعی گسترده تر مشوق های مالیاتی سرمایه گذاری اشاره دارد. بنابراین، تجزیه و تحلیل باید هم تأثیر مشوق های مالیاتی مختلف در تحریک سرمایه گذاری مولد و هم تأثیر آن ها بر درآمد دولت، امور مالیاتی، کارایی اقتصادی، برابری اجتماعی و در نهایت، چشم اندازهای رشد اقتصادی کشور را مورد بررسی قرار دهد. مناطق آزاد تجاری به گونه ای طراحی شده اند که از برخی مشوق های مالیاتی خاص مانند مالیات بر درآمد معاف شرکت، عوارض گمرکی معاف، مالیات توسعه شهری معاف و غیره بهره مند شوند. هدف اصلی این پژوهش یافتن میزان تأثیر این مشوق های مالیاتی بر سودآوری و در نتیجه ترویج سرمایه گذاری در مناطق است. سودآوری یک شرکت برای رشد هر اقتصادی آنقدر مهم است که باید به آن بیشترین توجه را داشت. با توجه به این موضوع، دولت مناطق آزاد تجاری را با مشوق های مالیاتی همراه با هدف تشویق سرمایه گذاری در این مناطق ایجاد کرد. با این حال، به وضوح مشخص نشده است که در واقع، تلاش های دولت نتیجه داده است. بنابراین در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته می شود که بدانیم آیا این مشوق های مالیاتی تأثیر مثبت یا منفی بر سودآوری شرکت های مناطق آزاد تجاری دارد یا خیر؟

⁴ The Kyoto Convention, available at: http://www.wcoomd.org/en/topics/facilitation/instrumentandtools/conventions/pf_kyoto_conv/kyoto_new.aspx

⁵ Large Economic Dictionary

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

اکثر کشور های در حال توسعه از مشوق های مالیاتی برای تشویق سرمایه گذاری استفاده می کنند و به نظر می رسد، همواره مالیات پایین تر، آسان ترین روش برای مقامات محلی و ایالتی می باشد که به دنبال راه حل آسانی برای تأثیرگذاری روی اقتصاد محلی هستند. این در حالی است که اغلب سرمایه گذاران بر بی اهمیتی نسبی این مشوق ها در مقایسه با سایر موانع و مشکلات موجود سرمایه گذاری اذعان دارند. فراهم کردن شرایط و چارچوب منسجمی از مشوق های مالیاتی جهت تقویت سرمایه گذاری، رشد تولید و افزایش اشتغال، یکی از مسائلی است که همچنان به صورت یک سؤال باز مورد بررسی بسیاری از محققان در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته می باشد و سیاست گذاران اقتصادی و به ویژه مقامات مالی را با چالش مواجه کرده است. از یک طرف اثربخشی چنین مشوق های مالیاتی به عنوان بسته سیاستی در مقایسه با هزینه های آن قابل تأمل بوده و از طرف دیگر تئوری های اقتصادی کاهش هزینه های سرمایه گذاری را مورد توجه جدی خود قرار داده اند.

بر همین اساس هدف این پژوهش، بررسی این موضوع می باشد که آیا برنامه ریزی مالیاتی و مشوق های مالیاتی، توانسته اند باعث رشد و توسعه سود آوری شرکت های مناطق تجاری آزاد شوند؟ پاسخگویی به این پرسش، برنامه ریزان و تصمیم سازان اقتصادی را قادر خواهد ساخت تا در راستای هدفمندسازی برنامه ریزی مالیاتی و مشوق های مالیاتی تصمیمات بهتری را اتخاذ کنند.

۴- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به طور کلی راه کارهای کاهش مالیات پرداختی، را می توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. دیدگاه نخست به این موضوع اشاره دارد که مدیران به منظور کاهش تعهدات مالی و صرفه جویی وجوه نقد، به دنبال کاهش مالیات پرداختی هستند. از این رو، از دیدگاه سرمایه گذاران این موضوع افزایش دهنده ارزش شرکت بوده و مدیران باید برای استفاده از این راه کارها تشویق شوند و پاداش بگیرند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۸۳). دیدگاه دوم به نظریه نمایندگی مربوط می شود. بر اساس نظریه نمایندگی، راه کارهای کاهش مالیات پرداختی، همیشه موجب افزایش ثروت سهامداران نمی شود. بر این اساس اجتناب از پرداخت مالیات، اغلب در انحراف منافع به سود خود مدیران نقش دارد، ادامه این موضوع در اشکال دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش غیرممتعارف مدیران متغیر است (وانگ، ۲۰۱۰). برنامه ریزی مالیاتی از دو بخش عمده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تشکیل شده است. فرار مالیاتی، نوعی تخلف از قانون است. وقتی مؤدی مالیاتی از گزارش درست درباره درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می شود، امتناع کند، عمل غیررسمی انجام می دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می دارد اما اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات ها نشأت می گیرد (دسای و دارموپالا، ۲۰۰۶). به دلیل وجود تضاد منافع بین گروه مدیریت و دیگر گروه های ذینفع، اجتناب از پرداخت مالیات می تواند در فعالیت های شرکت ابهام ایجاد نماید و زمینه ای را برای انحراف منافع مهیا کند. به عنوان مثال از آنجا که بسیاری از طرح های پاداش مدیران مبتنی بر معیارهای عملکرد از جمله سود حسابداری است می توان انتظار داشت که مدیران در راستای تحقق پاداش های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آن ها، انگیزه های زیادی برای اجتناب مالیات و یا حتی فرار مالیاتی داشته باشند (جامعی و رمن، ۱۳۹۷).

مشوق های مالیاتی در مناطق کمتر توسعه یافته اغلب محدود به بخش ها یا مناطق خاصی است، یا اگر به طور محدود محدود نشود، برای بخش ها و مناطق خاصی قوی تر است. سابقه هر دوی این ها این است که آن ها بسیار موثر نیستند، اما در سراسر

جهان بسیار محبوب هستند (ایفیانگ و همکاران، ۲۰۱۱). بدیهی است، مدیریت شرکتی از مزایای مالیاتی استفاده می کند که توسط قوانین مالیاتی موجود برای تصمیم گیری سرمایه گذاری برای افزایش سودآوری شرکت مورد استفاده قرار می گیرد. دولت نقش فعالی در انجام سرمایه گذاری های زیربنایی و نیز نقش تعیین کننده ای در تخصیص اعتبارات دارد. تصمیمات دولت در بسیاری از موارد موجب تقویت و یا تضعیف شاخص های قیمت سهام شرکت ها و سایر شاخص ها در بورس اوراق بهادار بوده و این یکی از عواملی است که سرمایه گذاران می توانند در تصمیم گیری های خود از آن استفاده نمایند. به عبارت دیگر، سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار می توانند با توجه به سیاست های مالی و سرمایه گذاری های دولت به عنوان بخشی از عوامل کلان اقتصادی، تغییرات شاخص های بورس اوراق بهادار را پیش بینی کنند (درک^۶، ۲۰۱۹).

نوسانات قیمتی شدید در سایر بازارها مانند طلا و یا ارز به طور مستقیم و غیر مستقیم بر هزینه های عملیاتی و قیمت تمام شده پول و در نهایت سودآوری بانک ها اثر گذار خواهد بود. ضمن آنکه به سبب وابستگی مالی بخش های تولیدی به این نهاد مهم اقتصادی، هر گونه ناکارآمدی و یا بروز بحران در نظام بانکی می تواند بخش های مختلف اقتصاد را با معضلات زیادی مواجه نماید (دیمون^۷، ۲۰۲۰). با افزایش نرخ مالیات، مدیران تمایل دارند که سود پرداختی به سهامداران را به طور قابل توجهی کاهش دهند؛ زیرا کاهش منابع داخلی موجب کاهش ظرفیت پرداخت سود نقدی می شود. همچنین نرخ مالیات عایدات سرمایه ای بلند مدت به مراتب از مالیات سود سهام نقدی کمتر است، بنابراین، سرمایه گذاران ممکن است ترجیح دهند که سود را تقسیم نمایند و مبلغ مذکور مجدد سرمایه گذاری گردد. رشد عایدات منجر به افزایش قیمت سهام می شود و نرخ مالیات کمتر عایدات سرمایه ای جایگزین نرخ مالیات بیشتر سود سهام نقدی می گردد. از آنجا که نرخ مالیات سود نقدی به مراتب بیشتر از مالیات عایدات سرمایه ای است، این فرضیه مطرح می شود که با افزایش نرخ مؤثر مالیات سود شرکت ها نیز کاهش می یابد. بر مبنای نظریه علامت دهی کاهش در سود می تواند مبین اخبار بد برای شرکت باشد و بازار این پیام را به عنوان خبر بد تفسیر نماید، در نتیجه انتظار می رود سیاست تقسیم سود بر ارزش شرکت و بازده سهام اتخاذ شود (جرمی^۸، ۲۰۱۹).

۵- روش پژوهش و جامعه آماری پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت و محتوا از نوع همبستگی می باشد. در تحقیقات کاربردی هدف یافتن راه حل مسائل فوری با ماهیت عملی می باشد لذا جنبه عملی داشته و منظور توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. در روش همبستگی دو یا چند دسته از اطلاعات مختلف مربوط به یک گروه یا یک دسته از اطلاعات از دو یا چند گروه را در اختیار دارد و تلاش دارد تا میزان تغییرات در یک یا چند عامل در اثر تغییرات در یک یا چند عامل دیگر را مورد بررسی قرار دهد. همچنین این پژوهش از لحاظ زمان از نوع تحقیقات پس رویدادی و پانل می باشد. در این پژوهش از طرح پس رویدادی استفاده گردید. این انتخاب بر اساس این واقعیت است که متغیرهای مستقل از مالیات بر درآمد شرکت، مالیات بر تحصیل، مالیات توسعه شهری دولتی، عوارض واردات، عوارض صادراتی و عوارض غیرمستقیم شرکت های مناطق آزاد تجاری معاف هستند و نمی توان بر آن کنترل داشت. واقعیت این است که متغیرهای مستقل مورد مطالعه قبلاً تأثیر خود را بر سودآوری شرکت ها قبل از تصور این پژوهش اعمال کرده بودند. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۵۴ شرکت فعال در مناطق آزاد

^۶ Derek

^۷ Daymon

^۸ jeremi

تجاری چابهار است. اطلاعات اولیه اساساً از طریق مصاحبه‌های شخصی با مدیران مختلف مقامات مالیاتی، اداره بنادر کل کشور، مقامات مناطق آزاد تجاری، سایر مؤسسات دولتی مربوطه و مدیران مختلف شرکت جمع‌آوری شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای ترسیم نمونه‌ای مناسب برای پژوهش استفاده شده است. مدل رگرسیون خطی چندگانه برای تعیین روابط بین برنامه‌ریزی مالیاتی و مشوق‌های مالیاتی و سودآوری استفاده شد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، شرکت‌های مناطق تجاری آزاد (کل کشور) می‌باشد. به منظور دسترسی به اطلاعات حسابداری مورد نیاز، دوره مورد تحقیق، سال‌های مالی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ (بازه زمانی پنج ساله) انتخاب شده است. در این تحقیق از روش حذف سیستماتیک برای رسیدن به نمونه استفاده می‌گردد.

- ۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار تهران بعد از اول سال ۱۳۸۳ می‌باشد.
 - ۲- شرکت‌هایی که تا قبل از سال ۱۳۹۴ از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
 - ۳- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشد.
 - ۴- شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست کسر می‌شود.
 - ۵- شرکت‌هایی که در دوره مورد بررسی توقف معاملاتی نداشته باشند.
- طبق جدول زیر، در حال حاضر ۹ منطقه آزاد مصوب در کشور وجود دارد که مناطق فعال مجموعه حدود ۷۴۰ هزار هکتار وسعت^۹ دارند. همچنین ایجاد ۱۰ منطقه آزاد دیگر نیز در دستور کار نهادهای ذیربط قرار دارد؛ این مناطق جدید عبارتند از: اینچه برون (گلستان)، اردبیل (اردبیل)، بانه مریوان (کردستان)، قصرشیرین (کرمانشاه)، مهران (ایلام)، بوشهر (بوشهر)، جاسک (هرمزگان)، سیستان سیستان و بلوچستان، سرخس دوغانرون (خراسان رضوی) و مازندران (مازندران).

۶- تعریف متغیرها

متغیر مستقل:

متغیر مستقل پژوهش حاضر برنامه‌ریزی مالیاتی و مشوق‌های مالیاتی می‌باشد. برای اندازه‌گیری برنامه‌ریزی مالیاتی از معافیت مالیاتی و عوارض گمرکی معاف استفاده گردید. مالیات‌های معاف از نظر عملیاتی به‌عنوان مالیات بر درآمد معاف شرکت، مالیات معاف از تحویل و معاف از مالیات مناطق آزاد تجاری مشخص شد درحالی‌که سودآوری توسط سودهای گزارش شده شرکت‌های مورد مطالعه منعکس شد. عوارض گمرکی معاف عبارت بودند از عوارض معاف از واردات، عوارض صادراتی معاف و عوارض غیرمستقیم معاف بود.

سه ابزار مهم برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های تشویقی مالیاتی عبارت‌اند از:

نرخ مالیات مؤثر نهایی (METR)، بودجه‌بندی هزینه‌های مالیاتی و تعیین معیارهای غربالگری برای اعمال مشوق‌های انتخابی (موریست و پیرنیا، ۲۰۰۱).

متغیر وابسته:

متغیر وابسته در پژوهش حاضر سودآوری شرکت‌های مناطق تجاری آزاد می‌باشد. نظریه سود چینگان (۲۰۰۸)، سودهای توزیع نشده را به‌عنوان منبع وجوه داخلی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرد. سرمایه‌گذاری به سود بستگی دارد و سود به‌نوبه خود بستگی به درآمد دارد. که اگر مجموع درآمد و سود کل بالا باشد، سود باقی‌مانده شرکت‌ها نیز زیاد است و

^۹ مستندات نامه مورخ ۱۴/۰۲/۱۳۹۹ دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی با شماره ۹۹۲/۳۲/۴۸۴

بالعکس، (ایفیانگ و همکاران، ۲۰۱۱). این نسخه نقدینگی نظریه سود است. (جینگان، ۲۰۰۸) نسخه دیگری از نظریه سود سرمایه‌گذاری را بیان کرد که نشان می‌دهد سرمایه بهینه تابعی از سود مورد انتظار است. اگر سود کل در اقتصاد و تجارت افزایش یابد، سود مورد انتظار برخی از عملکردهای سود واقعی است. در گذشته، یعنی

$$i.e. k^*t = f(\lambda t - 1) \quad (1-3)$$

که در آن:

$$k^*t = \text{موجودی سرمایه بهینه و}$$

$$f(\lambda t - 1) = \text{برخی از عملکردهای سود واقعی گذشته.}$$

این نظریه توسط ادوارد شاپیرو توسعه داده شد که بیان می‌کند کل سود مستقیماً با سطح درآمد متفاوت است. اینکه برای هر سطح از سود، یک سرمایه بهینه وجود دارد. میزان سرمایه مطلوب مستقیماً با سطح سود متفاوت است. (جینگان، ۲۰۰۸).

مدل رگرسیون

بر اساس انتظارات نظری، تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه برای برآورد عوامل تعیین‌کننده سودآوری شرکت‌های مناطق آزاد تجاری (FTZs) اتخاذ شد. مدل‌ها به شرح زیر ارائه شده است:

$$Y_1 = b_0 + b_1CIT + b_2EDT + b_3UDT + \varepsilon_1 \quad (2-3)$$

$$Y_1 = b_0 + b_1ID + b_2EDa + b_3EDb + \varepsilon_1 \quad (3-3)$$

که در آن:

جدول ۱: معرفی مدل رگرسیون

سودآوری	Y₁
مالیات بر درآمد شرکت	CIT
مالیات بر آموزش	EDT
مالیات توسعه شهری (مناطق آزاد تجاری)	UDT
خط رگرسیون	B₀
ضرایب متغیرهای مستقل	B₁ b₃
عبارت خطای معادله	ε₁
عوارض صادرات	Eda
عوارض مالیاتی	EDb

۷- نتایج آزمون مدل های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی به مجموعه اقدام هایی اطلاق می شود که برای تنظیم و طبقه بندی داده ها و محاسبه برخی شاخص های آماری از قبیل میانگین و میانه و ... صورت می گیرد. مهمترین شاخص های مرکزی یک توزیع، میانگین و میانه و مهمترین شاخص پراکندگی آن واریانس می باشد که در عمل برای تشخیص میزان پراکندگی از جذر مقدار واریانس یعنی انحراف معیار استفاده می کنیم. به وسیله این مشخصات می توان دید کلی در مورد مقادیر هر یک از متغیرها بدست آورد. متغیرهای تحقیق بر مبنای استفاده از شاخص های آماری مرکزی، پراکندگی و نسبی توصیف شده است. شاخص در آمار توصیفی، ابتدا داده ها خلاصه شده و به صورت جدول ارائه می شود. شاخص های آماری محاسبه شده در این جدول شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمترین و بیشترین، چولگی و کشیدگی است که در جدول ارائه گردیده است:

جدول ۲: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
Y ₁	۲۷۰	۱۱/۰۹	۱۱/۲۹	۱۴/۲۵	۵/۶۸	۲/۳۸	-۰/۳۳	۲/۰۵
CIT	۲۷۰	۱۰/۳۸	۱۰/۴۹	۱۳/۴۰	۴/۸۲	۲/۰۱	-۰/۴۷	۲/۹۲
EDT	۲۷۰	۱۱/۰۰	۱۰/۵۵	۱۷/۳۱	۷/۱۰	۲/۲۶	۰/۸۱	۳/۸۱
UDT	۲۷۰	۸/۴۴	۸/۵۳	۱۲/۹۶	۱/۷۹	۲/۸۴	۰/۰۷	۲/۲۴
EDA	۲۷۰	۱۲/۱۲	۱۲/۱۴	۱۴/۳۱	۹/۶۸	۱/۲۹	-۰/۱۰	۲/۰۲
EDB	۲۷۰	۱۰/۶۲	۱۰/۶۴	۱۲/۷۵	۸/۱۹	۱/۲۶	-۰/۰۸	۲/۰۱
ID	۲۷۰	۴/۵۱	۴/۵۵	۵/۸۲	۲/۰۹	۰/۸۷	-۰/۴۷	۲/۹۲

منبع: خروجی نرم افزار ایویوز (پیوست شماره ۱)

همانطور که در جدول فوق آمار توصیفی متغیرهای پژوهش مشاهده می شود، میانگین اصلی ترین شاخص مرکزی بوده و متوسط داده ها را نشان می دهد. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که نشانه میانگین دو عدد زوج وسط نمونه ی آماری می باشد. پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهمترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. ضریب چولگی و کشیدگی از پارامترهای پراکندگی نسبی هستند. ضریب چولگی بیانگر تقارن توزیع و ضریب کشیدگی نیز نشان دهنده بلندای توزیع در مقایسه با توزیع نرمال است که در صورت نرمال بودن بودن توزیع باید این ضریب به سمت صفر میل نماید.

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

مانایی متغیرهای پژوهش به این معناست که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کورایانس متغیرها بین سال های مختلف ثابت بوده است. برای اینکه نتایج برآورد یک رگرسیون، کاذب نباشد می بایست تمام متغیرهای مستقل و وابسته، در سطح (یعنی بدون تفاضل گیری) پایا باشد. لذا در این تحقیق برای اطمینان از مانا بودن متغیرها و کاذب نبودن رگرسیون با استفاده از آزمون لوین، لین و چو استفاده شد که نتایج آن در جدول ارائه گردیده است.

تست مفروضات زیر در مورد مانایی داده ها نتیجه گیری می شود:

H0: ریشه واحد وجود دارد (سری مورد نظر مانا نیست).

H1: ریشه واحد وجود ندارد (سری مورد نظر مانا است).

جدول ۳: نتایج آزمون مانایی (لوین، لین و چو^{۱۰}) برای متغیر های مدل

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری	مانایی
Y1	-۳۲/۲	۰.۰۰۰	مانا
CIT	-۱۵/۶	۰.۰۰۰	مانا
EDT	-۱۹/۵۰	۰.۰۰۰	مانا
UDT	-۲/۱۹	۰/۰۰۰	مانا
EDA	-۴/۵۴	۰.۰۰۰	مانا
EDB	-۴/۴۱	۰.۰۰۰	مانا
ID	-۶/۹۷	۰.۰۰۰	مانا

فرضیه پژوهش: بین برنامه ریزی و مشوق های مالیاتی و سودآوری شرکت های مناطق آزاد تجاری ارتباط مستقیم وجود دارد. نتیجه آزمون:

با توجه به سطح معنی داری (sig) متغیر مستقل یعنی برنامه ریزی و مشوق های مالیاتی که کوچکتر از ۵ درصد می باشد برابر با ۰.۰۴ بنابراین فرضیه اول پژوهش یعنی بین برنامه ریزی و مشوق های مالیاتی و سودآوری شرکت های مناطق آزاد تجاری ارتباط مستقیم وجود دارد.

جدول ۴: نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش

Y1 = b0+b1CIT+b2EDT+b3UDT+ε1					
متغیر	ضریب متغیر	مقدار رگرسیونی	ضریب	آماره t	سطح معنی داری
CIT	β_1	۰/۵۶۰۲۶۲		۰/۷۶۳۶۴۲	۰/۰۱۷

¹⁰ Levin, Lin & Chu t*

EDT	β_2	۰/۰۰۹۸۸۵	۰/۵۰۴۱۳۸	۰/۰۰۰
UDT	β_3	۲/۶۰۷۷۳۸	-۱/۳۹۶۴۶۶	۰/۰۳۹
عرض از میدا	β_0	۴۸۴۲۲۶/۶	۳/۰۴۱۱۴۴	۰/۰۰۵۲
ضریب تعیین ۰/۶۰	آماره F ۸/۷۴۱			
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۸	سطح معنی داری ۰/۰۰۰			
دوربین واتسون	۱/۸۵			

۸- نتیجه گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که فرضیه اول مبنی بر بین برنامه ریزی و مشوق های مالیاتی و سودآوری شرکت های مناطق آزاد تجاری ارتباط مستقیم وجود دارد، به علت داشتن سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ مورد تایید می باشد لذا می توان گفت که مورد تایید می باشد. نتایج حاصل از سایر مطالعات و تحقیقات مشابه بدین قرار می باشد:

براشمن و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هزینه های نمایندگی و برنامه ریزی مالیاتی با تاکید بر نقش حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۳۵۱۶ شرکت آمریکایی طی بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ انجام شد نشان داد که برنامه ریزی مالیاتی شامل اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی باعث افزایش هزینه های نمایندگی می شود و مکانیزم های حاکمیت شرکتی این رابطه را تضعیف می کنند به عبارتی وجود مکانیزم حاکمیت شرکتی قوی باعث کاهش شکاف مالیاتی و هزینه های نمایندگی می شود. لذا می توان گفت که به نتایج حاصل با مطالعات فوق همسو می باشد.

۹- پیشنهادات پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود:

* سرمایه گذاران تشویق می شوند از مزایای مالیاتی که در اختیار دارند استفاده کرده و در مناطق آزاد تجاری (FTZ) سرمایه گذاری کنند. این امر به بهبود عملکرد شرکت آن ها کمک زیادی خواهد کرد. این فرصت در صورت بهره برداری، باعث افزایش رشد صنعتی در مناطق، افزایش بهره وری، ایجاد اشتغال و در نتیجه بهبود سطح زندگی و اقتصاد عمومی کشور در بلند مدت می شود.

* دولت باید از انگیزه های مالیاتی برای حفظ پتانسیل های رشد صنعتی و اقتصادی مناطق و به طور کلی کشور حمایت کند. در صورت تداوم این مشوق ها، دولت از طرف دیگر تمایل دارد که درآمدهای ناشی از مشوق های مالیاتی ناشی از مالیات بر درآمد کارکنان و مالیات بر فروش محصولات ناشی از رشد صنعتی مناطق را از دست بدهد. علاوه بر این، بهبود اقتصاد باعث

افزایش درآمد سرانه ملت و همچنین وابستگی کشور به کالاهای خارجی به کالاهای تولید داخل و حتی تبدیل شدن به صادرکننده چنین محصولاتی می شود. در واقع، اقتصاد ملی این چشم انداز را دارد که از وابستگی به اقتصاد یکنواخت (درآمد نفت) به یک اقتصاد متنوع برسد.

۱۰- پیشنهادات برای تحقیقات آینده

- پژوهش حاضر به تفکیک صنعت مورد بررسی قرار گیرد تا احتمال اثر گذاری ویژگی های صنایع بر نتایج پژوهش حذف گردد.
- انجام مطالعه ای در خصوص برآورد اجتناب مالیاتی (فرار مالیاتی) ناشی از برقراری معافیت های مالیاتی در مناطق توسعه نیافته کشور.
- این پژوهش مناطق آزاد تجاری کل کشور را مورد بررسی قرار داده است، لذا برای تحقیقات آتی پیشنهاد می شود که موضوع را در کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دهند.
- بررسی نگرش گروه های مختلف تصمیم گیرندگان بر موضوع اجتناب مالیاتی و ...

۱۱- قدردانی

استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر حبیب پیری بسی شایسته است از تلاش های مداوم و کوشش های مستمر حضرتعالی در اشائه تعلیم و تربیت و بسط و توسعه علم و دانش و نیز از روشنگری های داهیانه حضرتعالی، تشکر نموده.

منابع

۱. آقا نظری، حسن؛ آقائی، اله محمد؛ جوشقانی نائینی، سید محمد (۱۳۹۰). مالیات و مشوق مالیاتی درگردونه عدالت اجتماعی. پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، مسلسل (۶۰).
۲. آذر، عادل (۱۳۸۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم.
۳. احدی، صدف (۱۳۹۹). بررسی نقش میانجی مالیات در روابط میان سودآوری و بدهی با هموارسازی سود. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت مالی، گرایش مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۴. اصولیان، محمد؛ عباسپور نوغانی، محمدرضا؛ داوری، مهدی (۱۳۹۵). تاثیرارزش برند بر سودآوری شرکت. چشم انداز مدیریت مالی، شماره ۱۴، ۹-۲۱.
۵. افتخار جهرمی، گودرز؛ رضوانی، ابراهیم (۱۳۹۵). الگوی خصوصی سازی ساختار اداره مناطق آزاد تجاری. مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲۶، صص ۲۴۹-۲۷۵.
۶. ایزدی، سید حسین (۱۳۹۶). تحلیل نقش مشوق های مالیاتی در تحقق اهداف اقتصادی مناطق محروم (مطالعه موردی: معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲). رساله دکتری تخصصی، رشته اقتصاد، دانشگاه پیام نور.
۷. بندریان، امیر علی؛ موسوی، سید علی (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین برنامه ریزی مالیاتی و هزینه های نمایندگی با تاکید بر نقش ارتباطات سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۰، صص ۹۶-۱۱۳.
۸. بنی مهد، بهمن؛ حسن پور، شیوا؛ جهانشاد، آریتا؛ نیکومرام، هاشم (۱۳۹۸). پیامدهای اقتصادی و مالیاتی گزارش حسابرسی با تاکید بر اثر تعدیل کننده تغییر حسابرس. دوره ۸، شماره ۳۲، صفحه ۶۷-۸۲.
۹. بیارش، بهاره (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین شفافیت شرکتی و برنامه ریزی مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، موسسه آموزش عالی باختر ایلام.
۱۰. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمد حسن؛ امینی نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲ صفحات ۶۹-۸۵.
۱۱. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن؛ امینی نیا، میثم (۱۳۸۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی در بورس تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۴، شماره ۵۲، ۶۹-۸۵.
۱۲. پوررضایی، آرش؛ کیمیاگری، علی محمد (۱۴۰۰). تخمین تابع سودآوری با استفاده از متغیرهای ساختار سرمایه در صنایع ایران. فصلنامه راهبرد مدیریت مالی دانشگاه الزهراء، سال نهم، شماره سی و پنجم، ۴۳-۶۴.
۱۳. پورزمانی، زهرا (۱۳۹۳). مقایسه کارایی تکنیک های تجزیه و تحلیل درونی و مقایسه ای داده در الگوریتم ژنتیک غیر خطی جهت پیش بینی سودآوری شرکت ها، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۱۷-۱۳۱.
۱۴. پیرایش، رضا؛ پیری، پرویز؛ ایمانی برندق، محمد؛ زواره ای رضایی، اکبر (۱۳۹۰). حسابداری مالیاتی، مبانی، تحلیل و بررسی قوانین مالیاتی»، انتشارات دانشگاه زنجان.
۱۵. تابان فر، محمد حسین (۱۳۹۸). مشوق های مالیاتی، سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه و ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری.

۱۶. ترابی جهرمی، کامران (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مسولیت اجتماعی بر تعهد حرفه ای و تقلب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش قضاوت های اخلاقی حسابداران تجاری استان فارس، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکرد های پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.
۱۷. جامعی، رضا؛ رمن، حجت (۱۳۹۷). بررسی تاثیر هزینه های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۲۹، ۱۸۵-۲۱۰.
۱۸. حاجی ملامیرزایی، حمید؛ حاجی ملامیرزایی، محمدصادق (۱۳۹۹). بررسی تأثیر محرک های مالی بر سودآوری بانک های منتخب بورسی. نشریه علمی «پژوهشهای راهبردی بودجه و مالی»، سال اول، شماره ۴، ۱۷۹-۲۱۵.
۱۹. حساس یگانه، یحیی؛ بهشور، اسحاق؛ شگری کیانی، مسعود (۱۳۹۷). رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۸، ۱-۳۰.
۲۰. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۸). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات عملی کشور.
۲۱. خالقی کسبی، پروانه؛ آقایی، محمدعلی (۱۴۰۰). برجستگی روند، رفتار سرمایه گذار و سودآوری مومنتوم. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال دهم، شماره سی و نهم، ۴۹۷-۵۱۴.
۲۲. خباززاده، محمداسماعیل، جهانشاد، آریتا (۱۳۹۹). نسبت های سودآوری و ویژگی های مودیان در سیستم حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده مبتنی بر ریسک. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۱-۱۶۱.
۲۳. دوانی، غلامحسین (۱۳۹۴). مجموعه قوانین مالیات های مستقیم، نشر کیومرث، چاپ ۳۱، تهران.
۲۴. رضایی، محمدقاسم؛ سبزو، محبوبه؛ رضایی پور، محمد (۱۳۹۲). فصلنامه پژوهش اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۶۳-۱۸۷.
۲۵. عسکری، علی؛ جعفری، تینا (۱۳۹۵). ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار). فصلنامه اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۷.

منابع لاتین

26. Abdi, M. R., & Rezaie, E.; (2015). Analysis of the Benefits and Costs of Tax Incentives in Selected Industries in Iranian Economy. *Taxation Survey*. Volume 23, Number 27 Issue 75 9-33. (In Persian)
27. Adamu Sezuo, et. al. "Impact of Tax Planning and Tax Incentives on the Profitability of Companies in the Free Trade Zones." *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*, 22(6), 2020, pp. 26-38.
28. Akpan, E. I., Effiong, S. A., and Ele, A. A. (2017). Entrepreneurship education policy: an intervention strategy for economic development in Nigeria. *Business and Entrepreneurship Journal*, 1(1), 101- 110.
29. Alberini, A., Bigano, A., 2015. How effective are energy-efficiency incentive programs? Evidence from Italian homeowners. *Energy Econ.* 52, S76-S85 .
30. Alfonso, C., Rosaria, V. P. & Stefano, P. (2018). Spatial dynamic modelling of tax gap: the case of Italy, *European Spatial Research and Policy*, 25(1), 7-28.
31. Antelo, M. (2016). Corporate taxes with unobservable profits, *Cuadernos de economia*, 110, 65-126.
32. Ayua, I. A. (1966). *The Nigerian tax law*. Ibadan. Spectrum law publishing.

33. Barbuta, n, (2008): "Economic and Non-Economic Factors for Tax Compliance" University of Galati .
34. Bergsman, J. (1999). Advice on taxation and tax incentives for foreign direct investment. (Finance paper Series No.5062) United Kingdom. (85).
35. Blomstorm, M. & Kokko, A. (2003). The economics of foreign direct investment incentives (Unpublished Working Paper). Retrieved 21/10/2010 from www.EFDII.10//Economics.
36. Bonazzi, G., Lotti, M., 2016. Evaluation of investment to improve the quality of buildings and generate positive externalities. *Quality Access to Success* 17 (153), 79–85 .
37. Bond, E. & Samuelson, L. (1986). Tax holidays vs signals. *The American Economic Review*. 76(4), 822-829
38. Brooks, n, (2001); "Key Issues in Income tax: Challenges of Tax Administration and Compliance" Asian Development Bank, 2001 Tax Conference
39. Bushman, R. , & Smith, A (2019). Financial Accounting Information and Corporate Governance, *Journal of Accounting and Economics*, 32.
40. Campbell, J.L., Guan, X., Li, O.Z. and Zheng, Z. (2018). CEO Severance Pay and Corporate Tax Planning. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2802426> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2802426>.
41. Chyz, J., and Gaertner, F. (2018). Can Paying "Too Much" or "Too Little" Tax Contribute to Forced CEO Turnover?. *The Accounting Review* Forthcoming, Vol. 93, No. 1, 103-130.
42. Dammon, R & Senbet, L. (1988). The effect of taxes and depreciation on corporate investment and financial leverage. *The Journal of finance*, 43(2), 357 – 373.
43. Danquah, M. & Osei-Assibey, E. (2018). The extent determinants of tax gap in the informal sector: evidence from Ghana, *Journal of International Development*, 30(6), 992-1005.
44. Daymon (2020) *International Review of Business Research Papers Trends in Working Capital Management and its Impact on Firms*, Vol. 2, No. 2, October, PP. 45 -58 .
45. DeAngelo H. & Masulis, R. W. (1980). Optimal capital structure under corporate and personal taxation. *Journal of Finance Economics*, 62(3), 22 - 29.
46. Derek (2019) "VAT Refunds: A Review of Country Experience, Authorized for Distribution by Jean-Paul Bodin", November
47. Desai, M.A., and D. Dharmapala (2006a). Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. *Journal of Financial Economics* .79: 145-179.
48. Edwards, A., Schwab, C. & Shevlin, T. (2016). Financial constraints and cash tax savings, *The Accounting Review*, 91(3), 859–881.
49. Effiong, S. A. (2004). Current cost profit measurement as it affects corporate capital. *Nigerian Journal of Social and Development Issues*, 4(1), 121- 134
50. Effiong, S. A., and Ejabu, E. (2020). Liquidity risk management and financial performance: are consumer goods companies involved? *International Journal of Recent Technology and Engineering*, 9(1), 580 – 589.